

امام سجاد (ع) و حقوق همسایگان

<?xml encoding="UTF-8">

حقوق اسلامی: جهانی و جاودانی

«اسلام» آیین جهانی و جاودانی است که قوانین و موازین آن از سرچشمه وحی جاری گردیده است و چون مقررات آن منشایی آسمانی دارد، گستره آن تمامی حالات فردی و اجتماعی را دربرمی گیرد، مصالح و مفاسد امور، روابط و پیوستگی ها و ظاهر و باطن کارها را در نظر می گیرد و بر اثر گذشت زمان یا مقتضیات سیاسی و اجتماعی در اصل این قوانین دگرگونی ایجاد نمی شود.

از منابع حقوق اسلامی؛ قرآن، سنت، عقل و اجماع است. قرآن به منزله قانون اساسی است که غالباً کلیات و اصول و ضوابط احکام را پیش روی پیروان حق نهاده است. و رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و جانشینان راستین آن حضرت با گفتار، رفتار و تقریر، جزئیات موازین شرعی و اعتقادی را بر حسب شرایط زمانی و مکانی بیان فرموده اند، از این امور به «سنت» تعبیر نموده اند که مطلق های قرآنی را تقیید می کند، عموم آن را تخصیص می زند، مجمل ها را توضیح می دهد و نیز مسائلی را که در قرآن نیامده است، بیان می نماید.

جامعه جهانی بعد از دومین جنگ بین الملل که با سلاح علم، تمدن و تکنیک بسیاری را به خاک و خون افکند و شهرهای زیادی را به خرابه مبدل ساخت؛ میلیون ها نفر را معلول و مجروح نمود و پس از آن همه خسارت های مادی، فرهنگی و اجتماعی برای حفظ حقوق انسان ها، به چاره اندیشی پرداخت، اندیشمندان و نمایندگان پنجاه و شش کشور در 86 جلسه و در طول هفتصد روز و دهها هزار ساعت کار، تنها سی ماده به نام «اعلامیه حقوق بشر» نوشتند که متأسفانه ضامن اجرایی نداشت و موفق نگردید به جنگ های خونین، استثمار انسان ها، تجاوز، زورگویی، غصب و چپاول حقوق محرومان پایان دهد! هنوز مرکب این قوانین خشک نشده بود که آتش جنگ در بین بسیاری از کشورها زبانه کشید و هر روز که از آن می گذشت، دامنه اش گسترش می یافت. آری اندیشمندان و متفکران که از اعماق روح و زوایای ذهن و فکر بشر و مناسبات اجتماعی آنان درک ژرفی نداشتند و به سرچشمه قرآن، وحی و سنت معصومین متصل نبودند، در یک گردهمایی توان فرسا و وقت گیر، قوانینی را تنظیم کردند که نه تنها گرهی از دشواری ها و آشوب های جهانی بر نداشت و موفق نگردید از تجاوز و بی عدالتی جلوگیری کند، بلکه همان کشورهای که منادی حقوق بشر بودند، سرزمین های آفریقایی و آسیایی را مورد یورش وحشیانه خویش قرار دادند و به غارت ثروت های فرهنگی، ملی و مادی مردمان کشورها پرداختند!

در داخل سرزمین های خود نیز به اقلیت های دینی ستم کرده و می کنند، آنان را از انجام مراسم مذهبی و اجرای سنت های دینی باز می دارند، از گسترش اماکن عبادی مسلمانان جلوگیری می کنند و اجازه نمی دهند انسان ها به ندای «فطرت و وجدان» خویش که یکتا پرستی و روی آوردن به فضیلت و کرامت های ملکوتی است، پاسخ گویند؛ از زمامداران خودسر و ستمگر حمایت می کنند، امواج گمراهی و جهالت را با رشد سرطانی فرقه های ضاله گسترش می دهند و بازهم وقیحانه ادعا می کنند: «ما مدافع حقوق انسان ها هستیم و از اینکه کشورهای مسلمان حقوق شهروندان خویش را مراعات نمی نمایند، در رنجیم!»

اعلامیه سازمان ملل متحد که در 25 نوامبر 1948 م. صادر شده و در آن تاکید کرده است: «تمامی مصادیق و اشکال تعصبات و تبعیض بین افراد، ادیان و اعتقادات مختلف باید برچیده شود.» اما فرانسه آن را زیر پا می نهد و «حجاب» را که فریضه ای دینی و اصل مسلم قرآنی است، در مدارس و مراکز آموزشی ممنوع می کند. این است معنای دموکراسی از نوع غربی!

در فرهنگ اسلامی، حقوق و تکالیف، اوامر و نواهی از مذهب ریشه گرفته اند. اسلام به انسان از نظرگاه فردی و اجتماعی، مادی و معنوی توأما می نگرد که این نگرش چند جانبه، در غایت و نتیجه باهم تفاوتی ندارند. ایجاد هم آهنگی بین حقوق شخصی و منافع عمومی و امور مادی و مسایل آخرتی تنها با به کار بستن صحیح دستورات قرآن میسر است. اصول عدالت، تقوا و مسؤولیت انسان شالوده تکالیف هر فرد مسلمان را نسبت به خود و در حق دیگران بنیان نهاده است. تعالیم قرآنی و روایی فضایی در جامعه پدید می آورد که مسلمین را باهم پیوند می دهد و در برخوردها و معاشرت ها با ادب و احترام متقابل روبه رو می شوند. این ها همه مبین آن است که اسلام حقوق بشر را کاملاً مورد توجه قرار داده است و هیچ گاه نمی خواهد به آزادی واقعی و اصیل انسان خللی وارد سازد. بر پایه چنین اصلی بود که در صدر اسلام آن پیروزی چشمگیر و آن دگرگونی در افکار و نگرش ها در جامعه جاهلی اعراب بروز نمود. انسان ها و جامعه بر بنیان این نظام ارزشی، اعتبار و عزت و حیثیت تازه ای به دست آوردند. آدمی به مقام خود وقوف یافت و با وظایف و تکالیف خویش آشنا شد و توانایی و استعداد وی در چنین فضایی امکان شکوفایی به دست آورد. امتیازات شخصی، قومی و قبیله ای جای خود را به تقوا و فضیلت انسانی داد.

منشوری منور

اسلام برای همسایگان همچون خویشاوندان، حقوقی را قایل گردیده است که هرکس بخواهد آنها را نادیده تلقی نماید و یا تضییع کند، گناهکار و متجاوز به شمار می آید. حق همسایگی در اسلام، آن چنان اهمیت دارد که قرآن کریم پس از مطرح نمودن توحید و یکتاپرستی و اجتناب از شرک ورزیدن به ساحت پروردگار متعال، دعوت عملی به تضامن و تعاون اجتماعی نموده و در این میان پس از فراخوانی به پرستش خداوند، نیکی به والدین، ارحام، یتیمان و فقیران، «احسان به همسایه» را مورد اهمیت قرار داده است.

در واقع از دیدگاه ارزشی اسلام هر انسانی باید قلمرو محظوظ بودن از امکانات زندگی و نعمت های الهی و همکاری و همیاری خویش را از چهار دیواری خانه بیرون آورد و به محیط پیرامون و محله ای که در آن سکونت دارد، سرایت دهد و در معاشرت ها و رفت و آمدها مراعات حال همسایگان جدی تلقی گردد. دستور قرآن در آیه 36 از سوره نساء در خصوص همسایگان - اعم از مسلمان، خویشاوند و حتی غیر مسلمان - متضمن برنامه ای است که اگر از سوی مسلمانان به کار گرفته شود، بسیاری از مشکلات جوامع انسانی به لحاظ امنیت روانی، تسهیلات زندگی، بهبود مناسبات اجتماعی، مرتفع می گردد. ارتباط با همسایگان و خوش رفتاری با آنان در فرهنگ قرآن و عترت به آن درجه ای از اهمیت است که معصومان علیهم السلام در سخنانی گهربار این ویژگی را از جمله اهداف بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ذکر نموده اند و نیز نیکی با همسایه را در ردیف واجباتی چون نماز و از جمله «مکارم اخلاق» برشمرده اند. (1)

چهارمین فروغ امامت، دفاع از حقوق انسان را در سیره و سخن پی گرفت و در این راه اسوه ای برای تمامی آدمیان عصرهای بعدی شد.

در آن عصر وحشت، ضلالت و رذالت امویان، امام سجاد علیه السلام فریاد برآورد:

«از جمله گناهانی که بلای آسمانی را نازل می نماید و نعمت را به نعمت تبدیل می کند، تجاوز و تعدی به حقوق مردم است.» (2)

در فراز یکی از بیانات امام چهارم آمده است:

«یکی از دو گناهی را که خداوند مورد آمرزش قرار نمی دهد، ضایع کردن حقوق برادر دینی است.» (3)

در رساله حقوقی که از ایشان به یادگار مانده است، طی 50 ماده «حقوق انسان ها» را مطرح نموده و ضامن آن را ایمان و اعتقاد مسلمانان و وجدان انسانها و نظام برخاسته از ایمان می داند. (4)

امام در این منشور منور راههای رفتار و سلوک انسانی و بنیان نهادن فرهنگ و تمدن بشری را بر اصولی استوار نموده اند که تمامی عوامل آرامش روحی و مصونیت آن از هر گونه آشوب و آشفتگی، به وفور در آن مشاهده می گردد. امامی که بصیرتی عمیق و گسترده نسبت به حالات انسان ها، زندگی و روابط آنان دارد، حقوقی را بر ایشان مقرر نموده و همه را مسؤول رعایت و پاسداری از آن قرار داده اند تا بدان وسیله بنیاد «جامعه اسلامی» به تمام و کمال ایجاد شود. اما قبل از آنکه هریک از این حقوق را بیان فرمایند، به اجمال و اختصار به آنها پرداخته اند که در فرازی از آن تاکید نموده اند: «بزرگ ترین حقوقی که خداوند بر تو واجب کرده است، حقوقی می باشد که نسبت به خود تو بر تو واجب گردانیده که اساس همه حقوق بوده و تمام آنها از آن نشأت گرفته است.» و پس از برشمردن این حقوق، می فرمایند: «خوشا به حال کسی که خداوند او را برای ادای این حقوق واجب یاری کرده و او را موفق و ثابت قدم بدارد.»

سی و یکمین حق از این حقوق، «حق همسایه» است که امام این گونه مطرح فرموده است:

اما حق همسایه این می باشد که وقتی غایب است، حرمت و حقوق او را در نبودنش از هر جهت حفظ کنی و چون حاضر است، تکریمش نمایی و او را احترام کنی و در هر حالی به او کمک نمایی. برای پی بردن به عیب ها و لغزش های او تفحص و جستجو ننمایی و اگر هم ناخودآگاه از عیب او مطلع شدی، در خصوص دانسته های خویش نسبت به معایب او بسیار پرده پوش باش که اگر بخواهند با نیزه هایی دلت را بشکافند و به اندرون دست یابند، موفق نشوند. به سخنان ناآگاهانه وی وقتی مگذار و اعتنا نکن، در سختی ها رهایش مکن و اگر امکاناتی دارد، بر او رشک موز. از لغزش او درگذر و خلافتش را اغماض نما و اگر ندانسته به تو بدی کرد، متانت به خرج بده و بردبار باش. مبادا بدرفتاری کنی. اگر کسی خواست درباره او زبان به بدگویی بگشاید، جلوگیری کن و اگر فردی خواست مکرری درباره اش به اجرا بگذارد، با دلسوزی این نقشه را خنثی کن و با کرامت و بزرگواری با وی معاشرت نما. هیچ نیرو و توانی به جز خدا نیست (پس از آن کمک بگیر).

امام سجاد علیه السلام در این فراز از رساله حقوق برای همسایگان اهمیت فوق العاده ای قائل گردیده و مراعات حقشان را سفارش نموده است. هدف از این تاکیدها و توصیه ها و اهتمام و عنایت به امور و شئون همسایگان ایجاد همبستگی اجتماعی و احیای اخوت دینی در میان «جوامع اسلامی» است تا در پرتو این انسجام، محبت و مودت شکل متقابل و فراگیری به خود گیرد و هرگونه اختلاف، بدبینی، بددلی و سوء تفاهم از دل ها رخت بربندد و مردم برای رشد فضایل و مکارم گام بردارند.

امام از پیروان خویش می خواهد وقتی مصائبی برای همسایه ای پیش می آید، او را تنها نگذارند و به امدادش بشتابند؛ زیرا وقتی فرد مصیبت دیده، خود را در توفانی از حوادث و بلایا مشاهده کرد، دچار فشار روحی و روانی شدیدی می شود و اگر با او همفکری و همکاری نشود و در جهت نجات دادن وی از شدائد و ناگواری ها اقدام

نشود، هجوم ناگواری ها ذهن و دلش را پژمرده نموده و نشاط روحی و آرامش روانی را از وی سلب می کند؛ آدمی با این وضع ناگوار نمی تواند در امور اجتماعی و برنامه های انسان ساز اسلامی حضوری مؤثر و فعال داشته باشد .

به علاوه وقتی ما با همسایه خود ارتباط برقرار می کنیم، باید شئونات وی را کاملاً حفظ کنیم و به گونه ای نباشد که در معاشرت با ما، ارج و منزلت اجتماعی وی تنزل یابد . رعایت این حقوق، غیر از آنکه شبکه روابط اجتماعی را در جامعه مسلمانان استحکام می بخشد و دوستی و عواطف عالی را بین آنان رواج می دهد، موجبات رشد، پویایی و کمال یابی آنان را فراهم می سازد .

البته حقوق مذکور متقابل است و مجاورت مسلمانان با یکدیگر تعهد ایجاد می کند . در رعایت حق همسایه هیچ کس نمی تواند ادعا کند به همکاری و مساعدت دیگران نیازی ندارد . (5) زیرا قرآن کریم می فرماید: «و تعاونوا علی البر والتقوی» (6) و در این همکاری در نیکی و تقوا، استثنا و تخصیص وجود ندارد .

قلمرو ممنوع

انسان باید متوجه این واقعیت باشد که نوع معاشرت با همسایگان، در روح و روانش اثر می گذارد . مجاورت با افراد خاطی، گناهکار و اهل عصیان، دل را تیره می کند . شهید مطهری می گوید: «انسان با روحی حساس و قابل تغییر آفریده شده است؛ به همین جهت، صلاح و فساد بدون آنکه خود اشخاص متوجه باشند، از فردی به فرد دیگر سرایت می کند . به تعبیر حضرت علی علیه السلام وقتی آدمی با افراد بد معاشرت و مجالست دارد، مثل این است که وی را در فراموشخانه ایمان برده اند زیرا حداقل به طور موقت و تا وقتی که با او مرتبط است، افکار و عقاید پاک خویش را از یاد می برد .» (7)

تحمل اذیت و آزار همسایه

گرچه به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از موارد مهم شومی خانه ها، همسایه بد می باشد . (8) اما در منابع اسلامی بردباری نشان دادن در مقابل آزار همسایگان، از نشانه های ایمان معرفی شده است و امام علی علیه السلام می فرماید: «هر کس ناروایی همسایگان را تحمل کند، نیکی را تکمیل نموده است .» (9) امام سجاد علیه السلام فرموده اند: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: من و پیامبران قبل از من پیوسته گرفتار کسانی بودیم که ما را اذیت می کردند .» (10)

در سیره آن حضرت آمده است که اگرچه پیامبر صلی الله علیه و آله با اذیت و آزار همسایگان مواجه بود اما آن وجود مبارک با کرامتی فوق العاده در برابر این فشارها مقاومت نموده و شکیبایی نشان داد . رفتار امام چهارم با دشمنان و کینه توزان با گذشت، نیکی، بخشش و احسان توأم بوده است: اسماعیل بن هشام مخزومی - والی مدینه - در اذیت و آزار امام چهارم بسیار مصر بود . این فرماندار که از سوی امویان به چنین سمتی برگزیده شده بود، در همسایگی امام سجاد علیه السلام سکونت داشت که حق جوار را نادیده گرفته، به نحوی که تمامی اهل محل از رفتارهای منفی وی به ستوه آمده بودند موقعی که ولید بن عبدالملک روی کار آمد، به دلیل اختلافاتی که پیش از رسیدن به قدرت با فرزند هشام داشت، او را از ولایت مدینه برکنار نمود و در سخنانی به مذمتش پرداخت و به مردم اعلام نمود: هرکس حقی دارد، از او بازپس گیرد . حتی دستور داد او را در ملا عام نگاه دارند تا همسایگان به تلافی اذیت هایی که از این فرماندار دیده اند، او را آزار

دهند .

ابن هشام بیش از همه کس از امام زین العابدین علیه السلام - به دلیل عداوتی که با آن حضرت داشت - نگران بود و می گفت: من از هیچ کس جز علی بن الحسین نمی ترسم زیرا وی مرد صالحی است و خلیفه حرف او را درباره خلاف های من می پذیرد .

هنگامی که درپشت دیوار کاخ مروان قرار گرفته بود، امام چهارم همراه گروهی از اصحاب و یارانش بر او گذشت اما نه خود متعرض اسماعیل بن هشام گردید و نه اجازه داد یارانش بر او اعتراض کنند . حتی دستور داد کسی حق ندارد کلمه ای خشن و تند نسبت به این فرماندار برکنار شده به زبان جاری سازد . امام با او ملاقت نمود و با سیمای گشاده با وی روبه رو گردید و پیشنهاد کرد تا در مدت گرفتاریش در خصوص رفع حوائجش او را یاری دهد؛ حضرت خطاب به وی فرمود: «خدای تو را عافیت دهد . من از آنچه برایت روی داده ناراحتم، آنچه دوست داری از ما بخواه .» اسماعیل بن هشام از مشاهده این همه کرامت و محبت، پریشان گردید و بسیار خجالت کشید و با شگفتی و حیرت عرض کرد: الله اعلم حیث يجعل رسالت؛ خداوند بهتر می داند که رسالت خود را در کجا قرار دهد و به کسی که اراده اش تعلق گرفته است تفویض کند و بسپارد . (11)

احسان به همسایگان

از آنجا که از هر طرف خانه تا چهل منزل همسایه آدمی تلقی می گردد، امام سجاد علیه السلام اغلب اهل مدینه را همسایه خود می دانست و نیمه شب راهی خانه های آنان می گردید و هر آنچه لازم داشتند، در اختیارشان قرار می داد و قرضشان را می پرداخت .

در صد و هفتمین سوره قرآن (ماعون)، آیه هفتم چنین می خوانیم: «و یمنعون الماعون» ، منظور از ماعون (از ریشه معن) اشیاء جزئی و لوازمی عادی است که معمولاً همسایگان به عنوان قرض یا تملک از یکدیگر می گیرند . رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند: «هر کس از همسایه اش ماعون (لوازم مورد احتیاج او) را منع کند و به عاریه ندهد، روز قیامت خداوند وی را از خیر محروم می کند و او را به خودش وا می گذارد . پس چه حال بدی خواهد داشت .» (12) امتناع از دادن چنین امکاناتی، عواقبی ناگوار در همین دنیا نیز خواهد داشت و بنا به فرمایش امام زین العابدین علیه السلام یکی از گناهانی که موجب خشکسالی می گردد، قرض ندادن اثاث و لوازم به افراد همسایه است . (13)

امام علی بن الحسین علیهما السلام می فرماید: «به درستی که نیازهای مردم به شما، از نعمت های الهی است؛ از روی آوردن حاجتمندان به سویتان، احساس ملال و ناراحتی نکنید .» (14)

امام سجاد علیه السلام از رد نمودن محرومان به شدت نهی می فرمود . سعید بن مسیب روایت کرده است: روزی خدمت امام زین العابدین علیه السلام شرفیاب بودم، سائلی در زد . امام فرمود: «او را دست خالی رد نکنید .» (15)

روز جمعه ای حضرت، کنیزی را که سکینه نام داشت، فراخواند و به وی فرمود: «نباید محرومی از در خانه من عبور کند مگر آن که او را اطعام نمایید، آخر امروز جمعه است!» ابوحزمه ثمالی که این ماجرا را نقل کرده است، می گوید: عرض کردم ای مولای من! همه آنان استحقاق ندارند . امام فرمود: «از آن خوف دارم که بعضی از افراد سائل مستحق باشند و ما او را غذا ندهیم و دست رد برسینه اش بزنیم و در نتیجه آنچه بر یعقوب و اهل بیت او نازل گردید، بر ما هم فرود آید . به آنها اطعام کنید .» (16)

به راستی محروم نمودن فقیر محتاج و کمک نکردن به او، از جمله عوامل زوال نعمت و فرا رسیدن خشم خداست . در روایتی چنین می خوانیم:

چون بنیامین از پیش حضرت یعقوب رفت، آن پیامبر خدا ندا کرد: پروردگارا! مرا رحم نمی فرمایی، دو نور چشم و دو فرزندم را از من گرفتی . خداوند به وی وحی نمود: یاد آور زمانی را که گوسفندی ذبح کردی و آن را بریان نمودی و خوردی و آن همسایه روزه دار خویش را از آن محروم کردی و او با حالت گرسنه در بستر خود خوابید . (17) در روایت دیگری آمده است: یعقوب بعد از این ابتلا، همیشه از منزلش هر چاشتگاه تا یک فرسنگی فریاد می زد: هر کس صبحانه خواهد، به خانه من بیاید . و در شامگاه هم فریاد می زد: کسی که شام می خواهد، به خانه من وارد شود . و نیز ندا می داد: ای همسایگان! بیایید با من هم غذا شوید . (18)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند: «به من ایمان نیاورده است کسی که جامه ای داشته باشد و همسایه اش از آن محروم باشد .» (19) چهارمین فروغ امامت نیز هشدار داده اند: «اگر فردی بیش از نیاز خود پوشاک داشته باشد و بداند کسانی در همسایگی او هستند که به آن نیاز دارند و به آنان ندهد، خداوند وی را در آتش جهنم خواهد افکند .» (20)

امام سجاد در سیره عملی بخشنده تر از همه مردم عصر خویش بود و نسبت به فقیران و مستمندان توجه ویژه مبذول می داشت . حضرت از لباس هایی که خود برتن می نمود، به محرومان صدقه می داد . در زمستان لباس خز برتن می نمود اما تابستان که فرا می رسید، یا آن را به فقیران اهداء می نمود و یا می فروخت و پولش را به آنان می داد و بارها می فرمود: «از پروردگار خویش خجالت می کشم از پول لباسی ارتزاق کنم که با آن جامه، خداوند را عبادت کرده ام .» (21)

محبوب ترین چیز از نظر امام «صدقه پنهانی» بود، بارها در ظلمت شب از خانه بیرون می آمد و در محلات مدینه هدایا و عطایای خویش را به مستمندان می رسانید، در حالی که صورتش پوشیده بود . اهل محل و فقیران به این وضع عادت کرده بودند، از این رو بر در خانه های خویش می ایستادند و چون امام را مشاهده می نمودند، خوشحال می شدند و به یکدیگر مژده می دادند . ابن عایشه می گوید از مردم مدینه شنیدم: «صدقه پنهانی از ما قطع نشد مگر وقتی که علی بن الحسین علیهما السلام از دنیا رفت .» گروهی از مردم این شهر از همین راه روزگار می گذرانیدند و نمی دانستند چه کسی وسایل زندگی آنان را فراهم می کند . (22)

امام سجاد علیه السلام همه روزه در مدینه اطعام عمومی می نمود و هنگام ظهر در منزل خویش بار عام می داد و صد خانوار را به طور پنهانی اداره می نمود که هر خانوار، خود شامل چندین نفر بودند . برای مستمندان محل سکونت خویش (مدینه) احترام قائل بود و هرگاه به محرومی چیزی می داد، آن را می بوسید تا اثر ذلت و نیازمندی را در او احساس نکند . بر سر سفره امام علیه السلام یتیمان، بیچارگان، از کار افتادگان و مستمندانی که هیچ راهی برای ادامه زندگی نداشتند، حضور می یافتند . و خود شخصا به دست مبارک از آنان پذیرایی می نمود و تا آنجا حال فقرا را مراعات می نمود که راضی نبود محصول نخل ها را شب هنگام که آنان حضور نداشتند، جمع آوری کند تا مبادا از خرماهای این درختان محروم بمانند . (23)

همسایه در دعاهای امام علیه السلام

در فقره 21 از دعای شانزدهم صحیفه سجادیه، امام سجاد علیه السلام خداوند را ستایش می نماید که چه زشتی های بسیاری از گناهان را بر دیده های همسایگان آشکار نگردانید . در فرازی از دعای سی و دوم نیز به این

موضوع اشاره شده است . (24)

دعای بیست و ششم به همسایگان و دوستان اختصاص دارد . در نخستین فراز این دعا آمده است:

اللهم صل على محمد وآله و تولني في جيرانى و مولى العارفين بحقنا والمناذرين لاعدائنا بافضل ولايتك و وفقهم لاقامة سنتك والاخذ بمحاسن ادبك في ارفاق ضعيفهم و سد خلتهم و عيادة مريضهم و هداية مسترشدهم و ستر عواراتهم و نصرة مظلومهم و حسن مواساتهم بالماعون .

در این مضامین عالی و با طراوت، امام پس از درود فرستادن بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و آل پاکش در قالب «دعا» نکات مهم اعتقادی، سیاسی، اخلاقی و حقوقی را مطرح می فرماید:

1 . یاری، رعایت و مساعدت همسایگان و دوستانی که به حق خاندان عترت معرفت دارند و با چنین بصیرتی، محب ائمه و دشمن دشمنان خاندان نبوتند .

2 . امام از خداوند می خواهد همسایگان سنت الهی را اقامه نمایند، محاسن اخلاقی و دینی را با عنایت به فقر و پیش گیرند و در رفع حوائج آنان، عیادت بیماران و راهنمایی و ارشاد به راه صلاح، بکوشند و حق خیرخواهی و صلاح اندیشی را چون باهم مشورت کنند، به جای آرند .

دعای چهل و چهارم را اگرچه حضرت زین العابدین علیه السلام هنگام دخول ماه مبارک رمضان بر زبان مقدس خویش جاری نموده و توسط مضامین آن با خدای خویش به راز و نیاز پرداخته اند، اما در این قلمرو نیز حضرت همسایگان را فراموش ننموده اند و در فرازی از آن فرموده اند:

«... [اللهم] و وفقنا فيه لان نصل ارحامنا بالبر و ان نتعاهد جيراننا بالافضال والعطية; پروردگارا! در این ماه مبارک، ما را به صله رحم و نیکی و احسان در حق ارحام موفق ساز و هم [کرم کن] و توفیق ده که با همسایه به عطا، فضل و بخشش پردازیم .» (25)

امام در این مضامین نیز پیروان خود را به موضوعی جالب، توجه می دهد: «حسن سلوک با همسایگان» و این موضوع نباید به زبان منحصر شود بلکه در رفتار، اعمال و امکانات و استفاده از آنها باید چنین خصوصیتی را بروز دهیم .

درخت دوستی بنشان، که کام دل ببار آرد

نهال دشمنی برکن، که رنج بی شمار آرد

پی نوشت ها :

1 . کافی، ج 3، ص 333؛ امالی، شیخ مفید، ص 205، الروضة من الکافی، ج 2، ص 51 و 52؛ تحف العقول، ص 29؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 201 و 202 .

2 . الامام زین العابدین، علامه عبدالرزاق مقرر، ص 149 .

3 . تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، باقر شریف قرشی، ترجمه محمدرضا عطایی، ج 1، ص 107 .

4 . رساله حقوق، به اسنادی از ابوحمزه ثمالی، توسط شیخ صدوق روایت گردیده است: (خصال، ص 50) . منابع دیگری که آن را نقل کرده اند، عبارتند از: من لایحضره الفقیه، صدوق؛ تحف العقول، ابن شعبه حرانی؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری؛ فلاح السائل، ابن طاووس

5 . با الهام از خطبه 214 نهج البلاغه و حکمت ها و اندرزها، شهید مطهری، ص 89 .

6 . مائده/آیه 2 .

7 . حکمت ها و اندرزها، ص 281 .

8 . حلیۃ المتقین، ص 245 .

9 . درۃ البیضاء، سید کاظم وفاپی همدانی، ص 107 .

10 . علل الشرایع، ص 26 .

11 . طبقات، ابن سعد، ج 5، ص 220; تاریخ طبری، ج 6، ص 536 .

12 . تفسیر نورالثقلین، ج 5، ص 679; من لایحضره الفقیه، باب المناهی .

13 . معانی الاخبار، صدوق، ص 78; الامام زین العابدین، مقرر، ص 149 .

14 . بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 74، ص 130 .

15 . کافی، ج 4، ص 15 .

16 . دارالسلام، نوری، ج 2، ص 14; الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه، شیخ حر عاملی، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، ص 43 و 44 .

17 . اصول کافی، کتاب العشره، باب حق الجوار، ج 4، ص 491; المخازن، ج 1، ص 145; تفسیر برهان، ج 2، ص 243; وافی، ج 1، ص 350; المحجة البیضاء، ج 3، ص 426 .

18 . وافی، ج 1، ص 35; ذخیره العباد، جزء سوم، ص 53; سیری در نماز، حسین انصاریان، ص 21 .

19 . مستدرک الوسائل، ج 2، ص 80; الحیة، ج 1، ص 237 .

20 . مجموعه ورام، ج 2، ص 47 .

21 . ناسخ التواریخ، ج 1، ص 67 .

22 . بحارالانوار، ج 67، ص 89; الاتحاف بحب الاشراف، ص 49 .

23 . تحلیلی از زندگی امام سجاد علیه السلام، ج 1، ص 126 - 128 .

24 . الدلیل الی موضوعات الصحیفة السجادیة، محمدحسین مظفر، ص 282 .

25 . در ترجمه عبارات صحیفه سجادیه از ترجمه مهدی الهی قمشه ای و نیز صدرالدین بلاغی استفاده شده است .